

فصلنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال دوم، شماره چهارم (پیاپی ۸) زمستان ۱۳۹۸، صص ۲۶۶۸-۲۶۵۳

مبانی فقهی و حقوقی اصل آزادی کسب اطلاعات و اخبار در رسانه و استثنائات آن

احمد تقوایی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۸/۲۰

مهدی ذوالفقاری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲

حسن خجسته^۳

چکیده

یکی از مهم‌ترین وظایف رسانه، به دست آوردن اطلاعات و اخبار است و بر مبنای اصل آزادی کسب اطلاعات و اخبار، رسانه می‌تواند، این اطلاعات و اخبار را از هر طریق و با هر روشی کسب کرده و اطلاع‌رسانی کند؛ اما نکته مهم در این زمینه، مبنی مشروعیت و قانونی بودن این اصل و حدودثغور آن است. به همین سبب، موضوع اصلی این مقاله، مبانی فقهی و حقوقی مسئولیت رسانه در رابطه با اصل آزادی کسب اطلاعات و اخبار قرار گرفته است. در این پژوهش، با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تحلیل محتوای منابع فقهی و مصادر حقوقی (قانونی) و بر اساس روش گردآوری کتابخانه‌ای (اعم از مکتوب و دیجیتال)، به سراغ فقه و حقوق رفتیم و این موضوع را بررسی کردیم. بر اساس تحلیل داده‌ها، اصل آزادی کسب اطلاعات و اخبار در فقه دارای مبانی قرآنی، روایی و عقلی است و در قوانین حقوق اساسی و حقوق شهروندی نیز اصولی برای این موضوع وضع شده است؛ اما استثنائاتی در این باب وجود دارد که بر اساس آن‌ها، کسب و اطلاع‌رسانی برخی امور، غیرشرعی و غیرقانونی است؛ ازجمله آن‌ها می‌توان به حفظ حریم خصوصی افراد (عموم مردم و افراد مشهور) و ضرورت توجه به حراست از اسناد و اطلاعات طبقه‌بندی‌شده اشاره کرد.

واژگان کلیدی: فقه، حقوق، رسانه، اصل آزادی کسب اطلاعات، حریم خصوصی، اسناد طبقه‌بندی‌شده

^۱ دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران

Taghvaei.ahmad46@gmail.com

^۲ استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران (نویسنده مسئول)

mahdizolfaghari2010@gmail.com

^۳ استاد، عضو هیئت علمی دانشگاه صدا و سیما، تهران، ایران

khojasteh@iribu.ac.ir

براساس شواهد تاریخی و آثار باقی مانده از دوران‌های مختلف، وسیله ارتباطی بین انسان‌ها از ابتدایی‌ترین شکل آغاز و در دالان زمان پیشرفت کرده تا به شکل امروزی درآمده است. قطعاً این مسیر تکاملی ادامه خواهد یافت. از ارتباط صوتی بین انسان‌ها در نقاط مختلف کره خاکی تا ارتباط تصویری مسیر پرپیچ خمی طی شد. به دنبال پیچیده شدن وسایل ارتباطی، نوع رابطه بین انسان‌ها نیز از شکل ساده، به صورت امروزی درآمد. مبتنی بر این تحولات، علم جدیدی به وجود آمد که علم ارتباطات نام گرفت. یکی از موضوعات اساسی این علم که فلسفه وجودی آن است، ارتباط بین انسان‌ها در جوامع بشری است. ارتباط بین مردم، همان ارتباط بین افراد جامعه است، به عبارتی: «درواقع تمایل، من، به برقراری ارتباط با شما، و جریاناتی که توسط آن می‌کوشم تا تمایل خود را دنبال نمایم»، تحت تأثیر اجتماع قرار دارد. (کلنتر، ۱۳۷۶)

همواره در این ارتباط موضوع محوری و مهم، تأثیر و تأثری است که از رهگذر این رابطه بین انسان‌ها پدید آمده است. در ارتباط متقابل (گفتاری و غیرگفتاری) دونفر به دنبال دریافت نتیجه پیام خود و بازخورد آن هستند. در اثر این رابطه، نوعی شناخت دوطرفه به وجود می‌آید. خداوند در قرآن کریم در همین راستا، فلسفه اختلاف اقوام را تعارف بیان می‌کند.

با پیشرفت بشر در علوم مختلف، نوع ارتباط و وسایل ارتباطی نیز ارتقا پیدا کرد. از طرف رسانه با اشکال رو به پیشرفت با مخاطب ارتباط برقرار شد و نام «رابطه رسانه و مخاطب» شکل گرفت. به دنبال شکل‌گیری این رابطه، بالتبع، مسئولیت‌هایی برعهده رسانه در قبال مخاطب و بالعکس به وجود آمد که موضوع محوری این مقاله است. یکی از مهم‌ترین وظایف رسانه، به دست آوردن اطلاعات و اخبار است. مبتنی بر همین وظیفه است که رسانه شکل می‌گیرد و شرح وظایفش تعریف می‌شود. به تعبیری این وظیفه برای رسانه نقش محوری دارد. به همین دلیل باید دو مطلب مدنظر قرار گیرد:

۱- وظیفه رسانه در کسب اطلاعات و اخبار.

۲- وظیفه قانون‌گذار در ارتباط با رسانه‌ها.

بنابراین در این مقاله به دنبال مسئولیت رسانه در قبال مخاطب هستیم و مسئولیت رسانه را در ارتباط با آزادی کسب اطلاعات و اخبار از منظر فقه و حقوق هم ایجابی و هم سلبی دنبال خواهیم کرد. نتیجه‌ای که از مقدمه فوق متوقع است این است که، رسانه چگونه در رابطه با کسب و اطلاع‌رسانی اطلاعات و اخبار، از منظر فقه و حقوق در قبال مخاطب نفیاً و اثباتاً باید پاسخگو باشد؟

هر چند وظایف رسانه، مخصوصاً صداوسیما هم در قانون اساسی و هم اساسنامه صداوسیما جمهوری اسلامی در نظر گرفته شده است؛ اما در مرحله اجرا ممکن است با اشکال مواجه شود. از همین مجال است که جهت اجرای کامل وظایف رسانه‌ای (چه وظایفی باید به اجرا درآید و چه موضوعاتی از منظر فقه و حقوق ممنوعیت دارد و یا مسئولیت‌آور است)، مجموع این مطالب و این مقاله را شکل می‌دهد. در نتیجه‌گیری بحث قصد داریم در صورت خلأهای قانونی، مواد قانونی مورد نیاز برای تأمین مواد قانونی را پیشنهاد دهیم.

۱. مبانی فقهی-حقوقی مسئولیت رسانه در کسب اطلاعات و اخبار

در عصر اطلاعات و رسانه و خواندن و نوشتن، نه تنها نشان‌دهنده سواد نیست، بلکه اگر با «سواد اطلاعات و سواد رسانه» همراه نباشد می‌تواند به «نادانی بیشتر ناشی از پذیرش اطلاعات گمراه‌کننده و نادرست» منتهی شود. زمانی مرداک صاحب حقیقی و حقوقی سهام اکثریتی رسانه‌های نیوزکورپ، فاکس قرن ۲۱، هارپرکالینز و وال استریت ژورنال، تایمز، فارسی وان، دیلی تلگراف (بعضی کشورها)، داو جونز و نشنال جئوگرافیک و صدها رسانه دیگر، نقل شده بود که: «اگر من اعلام کنم رئیس‌جمهور مرده، برای او خیلی زمان می‌برد تا ثابت کند زنده است» اگرچه به نظر می‌رسد که چنین جمله‌ای بیشتر در حد یک شایعه رسانه‌ای باشد؛ اما اگر مرداک یا کسانی در موقعیت او، چنین حرفی بزنند، چندان بیراه نگفته‌اند. به همین دلیل یونسکو سال‌هاست طرحی به نام MIL (مخفف عبارت Literacy Media Information) یا سواد و اطلاعات و سواد رسانه را راه‌اندازی کرده است و دستورالعمل‌ها و استانداردهای مختلفی را برای آموزش مدیریت اطلاعات و رسانه مطرح نموده است. در مقدمه یونسکو به کارکرد سواد اطلاعات و رسانه اشاره شده است همچنین یونسکو کتابی با عنوان «مفهوم منابع باز و دسترسی آزاد» منتشر کرده است.

با توجه به آنچه عنوان شد موضوع اطلاعات و اخبار و مسئله‌ای با عنوان سواد رسانه ارتباط تنگاتنگ دارد؛ اما آنچه در خصوص کسب اطلاعات و اخبار باید مدنظر قرار گیرد، موضوع منشأ دریافت اطلاعات و اخبار و صحت و سقم این اطلاعات است. در حقیقت، میزان اعتماد مخاطبان با رسانه مدنظر به سرعت و صحت اطلاعات و اخبار ارائه‌شده مرتبط است که در زمان‌ها و شرایط مختلف، متفاوت است؛ به‌عنوان مثال در تحقیقی که در سال ۱۳۹۵، توسط آقای روح الله احمدزاده کرمانی و سرکار خانم سمیه داوری کیش باستانی در این سال در خصوص خبرگزاری‌های مهر، ایسنا، فارس، ایرنا و ایلنا انجام شده است، ۸۰/۴ درصد به اخبار خبرگزاری‌های داخلی و در حد خیلی زیاد و زیاد و ۱۹/۶ در حد کم و خیلی کم اعتماد دارند. میانگین نمره اعتماد کلی به اخبار خبرگزاری‌ها داخلی ۱۲/۷ از ۲۰ بوده که در محدوده اعتماد زیاد واقع شده است. (احمدزاده کرمانی، داوری کیش باستانی، ۱۳۹۶) بر اساس آنچه عنوان شد، رسانه‌ها در خصوص کسب اخبار و اطلاعات وظیفه مهمی بر عهده دارند. این وظیفه هرگونه خبری است که نیاز مخاطب را برآورده کند.

این موضوع در قوانین مختلف حوزه رسانه مدنظر قانون‌گذار بوده است؛ از جمله می‌توان به قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اشاره کرد. این قانون ۴ ماده دارد و ذیل هر ماده تبصره‌های ۴ و ۱۶ و تبصره‌های ۲، بند ۴ مربوط به اطلاعات و اخبار است. همچنین در ماده ۱۱۶ قانون برنامه چهارم توسعه و ماده ۱۰ قانون برنامه پنجم توسعه، دولت مکلف به تدوین قانون جامع رسانه‌های همگانی شده است. با نگاه کلی به این قوانین (در حوزه رسانه، با توجه به کثرت این قوانین) دیگر نکته اساسی، اثبات یک وظیفه برای رسانه‌ها است. این وظیفه که با فلسفه وجودی رسانه‌ها ارتباط تنگاتنگ دارد، موضوع مسئولیت رسانه‌ها در کسب اطلاعات و اخبار است. در ذیل موضوع اطلاعات و اخبار و به دست آوردن آن‌ها، مسائل مهمی موضوعیت دارد که با فلسفه وجودی رسانه‌ها عجین شده است: اصل آزادی تحقیق و کسب اطلاعات، مبانی فقهی اصل آزادی اطلاعات فواید شفافیت در اطلاع‌رسانی، استثنائات وارده بر آزادی اطلاعات، ضرورت خودداری از تجاوز به حریم خصوصی اشخاص (اشخاص عادی، اشخاص شناخته‌شده و مشهور).

۱-۱. مبانی حقوقی اصل آزادی تحقیق و کسب اطلاعات

حق آزادی اطلاعات از مسائل مرتبط با حق آزادی بیان است و آزادی بیان یکی از اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین حقوق بشر به حساب می‌آید. هر دو حق، ذاتی انسان است و در حقیقت از این جهت که انسان؛ انسان است دارای این دو حق است: «آزادی اطلاعات اصطلاحی است که نخستین بار در ایالات متحده آمریکا جعل شده است». (انصاری، ۱۳۸۶)

«حق شهروندان در دسترسی آزاد به اطلاعات، در اختیار مؤسسات و نهادهای دولتی است که یکی از مهم‌ترین دستاوردهای حقوق بشری است که ارتباطی نزدیک با آزادی اطلاعات و شفافیت آن دارد. مهم‌ترین آثار اصلی آزادی اطلاعات، حق دسترسی آزاد به اطلاعات است... با تصویب، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، آئین‌نامه‌های اجرایی آن را می‌توان جدیدترین گام در این زمینه دانست. (اسدزاده، و دیگران، ۱۳۹۴)

آزادی اطلاعات، مستلزم آن است که همه شهروندان به اطلاعات تحت کنترل مقامات عمومی دسترسی داشته باشند. امروزه حق دسترسی به اطلاعات به‌عنوان لازمه مردم‌سالاری دینی، پاسخگو بودن مقامات و مشارکت مؤثر مردم، مورد شناسایی واقع شده است؛ و به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری به‌موجب قوانین بین‌المللی و قوانین اساسی کشورها مورد حمایت قرار گرفته است. این حق دو طرف دارد، یک‌سوی آن دولت‌ها هستند که تکلیف ارائه اطلاعات را بر عهده دارند و یک‌سوی دیگر، شهروندان هستند که حق آگاهی از اطلاعات را دارند. در ارتباط با اثبات ادعای مذکور می‌توان به اسناد بین‌المللی استناد کرد؛ از جمله در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «هرکس باید بتواند به‌طور آزاد از اطلاعات برخوردار باشد که از آن به اصل آزادی دسترسی به اطلاعات و ارسال آزادانه آن تعبیر می‌کنند. بر اساس این ماده، هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی کسب دانش، گرفتن و دادن اطلاعات و... می‌شود».

به همین منظور در سال ۱۳۸۸، قانونی با عنوان «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» برای حمایت از دسترسی آزاد به اطلاعات در کشور به تصویب رسیده است که از دسترسی شهروندان به هر نوع داده که در اسناد مندرج باشد یا به صورت نرم‌افزاری ذخیره یا به هر وسیله دیگری ضبط شده باشد، سخن می‌گوید. در ماده ۲ این قانون به عنوان قاعده کلی تأیید شده است که: «هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد، مگر آنکه قانون منع کرده باشد». (رحمانی، ۱۳۹۵؛ دایی چین، ۱۳۹۲) بر اساس قانون مزبور، کلیه مؤسسات عمومی و خصوصی مکلف‌اند به‌جز در موارد استثنا، هر نوع اطلاعات مضبوط را متعاقب درخواست شهروندان در اختیار ایشان قرار دهند.

۲-۱. مبانی فقهی اصل آزادی کسب اطلاعات و اخبار

علاوه بر آنچه در قوانین در ارتباط با آزادی تحقیق و کسب اطلاعات مطرح شد، در متون فقهی و دینی به این موضوع توجه شده است که در قالب مبانی فقهی قابل‌بررسی است. در فقه اسلامی مبانی متعددی نظیر روایات، سیره معصومان (ع)، حق تعلق اطلاعات عمومی به مردم و قاعده لزوم حفظ نظام، وجود دارد که برای اثبات چنین حقی، ممکن است، مورد استدلال قرار گیرند.

۱- روایات: در ارتباط با روایات می‌توان به روایتی از امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) برای اثبات حقوق شهروندی استناد کرد، حضرت علی (ع) در نامه‌ای خطاب به فرماندهان نظامی می‌نویسند: «آگاه باشید که شما این حق را بر عهده من دارید که هیچ رازی را جز در خصوص جنگ از شما پنهان ننمایم و کاری را جز احکام شرع بدون مشورت با شما انجام ندهم». (طوسی، بی تا، ۳۷)

۲- سیره معصومان: تدقیق در سیره معصومان و روش علمی ائمه (ع)، اثبات می‌کند که معصومان حق مردم بر اطلاعات را قبول داشتند. این موضوع در سیره معصومان به اشکال مختلف پدیدار می‌شود. «اولاً: معصومان در ارتباط با بسیاری از موارد حکومتی به‌گونه‌ای شفاف عمل می‌نمودند که عموم جامعه به راحتی بتوانند از فرآیند اجرایی آن آگاهی پیدا نمایند. به‌طور مثال در ارتباط با مقوله دادرسی، نقل شده که امیرالمؤمنین (ع) در مسجد کوفه به قضاوت میان مردم می‌پرداختند. (ابن براج، ۱۴۰۶، ۲، ۵۹۲) ثانیاً: در مواردی هم که مردم درباره مسائل مختلف از معصومان درخواست اطلاعات می‌کردند، ایشان به اطلاع‌رسانی می‌پرداختند؛ به‌عنوان مثال درباره امام حسن مجتبی (ع) در روایتی آمده که پس از صلح ایشان با معاویه، برخی که از دلیل این تصمیم حضرت آگاهی نداشتند از ایشان سؤال می‌کنند که علی‌رغم حقانیت خویش و گمراهی و طغیانگری معاویه چگونه حاضر به صلح با او شدند؟ حضرت، ضمن اشاره به آنکه دلیل مصالحه ایشان با معاویه همانند دلیل صلح رسول خدا با بنی‌ضمیره و بنی‌اشجع و اهل مکه هنگام عدول از حدیبیه بود، تصریح می‌فرمایند: اگر صلح نمی‌کردم یک نفر هم از شیعیان روی کره زمین نمی‌ماند. (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ۱، ۲۱۱). حتی در مواردی، ائمه معصومین شخصاً مردم را به کسب اطلاعات دعوت می‌نمودند. نمونه آن روایات متعددی است که از حضرت علی (ع) نقل شده که مردم را به سؤال کردن از خویش ترغیب می‌نمودند.

از جمله پس از بیعت مردم با ایشان، بر منبر مسجد رفته و فرمودند: «ای مردم از من سؤال کنید قبل از اینکه من را از دست بدهید». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰، ۱۱۷) البته حضرت در موارد مختلف و مکان‌های متفاوت این جمله را تکرار فرمودند. (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳، ۲، ۴۲۰) با توجه به اطلاق سخن حضرت علی (ع) و خصوصاً با توجه به شرایط و موقعیت صدور چنین کلامی از ایشان مشخص می‌شود که نمی‌توان این دعوت به تحصیل اطلاعات را مختص به امور عادی دانست؛ چراکه چنین استنباطی فاقد قرینه و خلاف ظاهر است.

۳- اقتضای ادله وجوب شورا: شورا در اسلام از جایگاه والایی برخوردار است و نمود مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌هاست. قرآن در زمینه تبیین خصایص مؤمنان، اصل شورا را ناشی از ایمان جامعه اسلامی می‌داند (شوری، ۳۸) و همچنین پیامبر را به استقرار نظام شورایی فرامی‌خواند و در سوره مبارکه آل‌عمران به پیامبر (ص) دستور به مشورت داده است. (آل‌عمران، ۱۵۹). همچنین روایات متعددی درباره وجوب مشورت زمامداران و کارگزاران حکومت اسلامی با مردم وجود دارد و خودرأیی نفی شده و بر مشورت کردن با دیگران تأکید شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳، ۱۶۷). همچنین در روایت منسوب به امیرالمؤمنین امر به مشورت شده است که: «مشورت کنید که موفقیت در مشورت است». (تمیمی آمدی، بی‌تا، ۲، ۳۱۳) بدون تردید هر شوری، مستلزم داشتن اطلاعات لازم و صحیح و دسترسی به اسناد و مدارک مربوطه است. این اقدام متضمن آزادی‌ها و اختیاراتی است که آزادی اطلاعات یکی از آنهاست. با توجه به این پیشینه شرعی طبیعی است که دسترسی به اطلاعات موردحمایت قانون هم قرار گیرد.

۴- ادله ناظر بر نهی از کتمان علم: «یکی از دلایلی که ممکن است در زمینه حق بر اطلاعات، مطرح شود نصوص مربوط به نهی از پنهان داشتن علم از سایرین برمی‌گردد». (ساریخانی، اکرمی سراب، ۱۳۹۱) مانند آیه کتمان (بقره، ۱۷۴) که خداوند متعال می‌فرماید، آنان که پنهان دارند آیاتی از کتاب آسمانی را که خدا فرستاده بود و آن را بهای اندکی فروشند، جز آتش جهنم در شکم نمی‌برند و در قیامت خدا با آنها سخن نگوید و پاکشان نگرداند؛ و هم آنان را در قیامت عذابی دردناک خواهد بود.

۵- قاعده لاضرر: به حسب قاعده لاضرر، ممکن است گفته شود که کتمان اطلاعات از مردم مصداق اضرار به ایشان می‌شود؛ به همین دلیل، کتمان اطلاعات ممنوع است. نتیجه اینکه حکومت باید حق تحصیل اطلاعات را برای مردم محترم شمارد.

به غیر از موارد مذکور در ارتباط با مبانی فقهی اصل آزادی اطلاعات، می‌توان به منابع دیگر نیز استناد کرد؛ از جمله سیره عقلا، تعلیق مالکیت اطلاعات به مردم، قاعده لزوم حفظ نظام و...

۲. استثنائات اصل آزادی کسب اطلاعات و اخبار

در این مجال به دنبال کاستی‌های قانونی در این زمینه نیستیم، بلکه موضوع درخور توجه، اهمیتی است که در قوانین موجود حوزه رسانه به موضوع اطلاع‌رسانی داده شده است. بر همین اساس است که نمی‌توان حوزه اطلاع‌رسانی را

رهاشده فرض کرد، بلکه در ارتباط با ارائه اطلاعات نسبت به حدودمرز آن، قانون‌گذار حساسیت نشان داده است؛ به‌گونه‌ای که در قوانین مربوطه فصل‌هایی به‌عنوان استثنائات در نظر گرفته شده است؛ به‌عنوان‌مثال، در قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸/۵/۳۱، فصل چهارم، استثنائات دسترسی به اطلاعات است و عبارت‌اند از ۴ بند شامل بند اول: اسرار دولتی؛ بند دوم: حمایت از حریم خصوصی؛ بند سوم: حمایت از سلامتی و اطلاعات تجاری و سایر موارد و بند چهارم: سایر موارد شامل امنیت و آسایش عمومی، پیشگیری از جرائم یا کشف آن‌ها، بازداشت یا تعقیب مجرمان، ممیزی مالیات یا عوارض قانونی یا وصول آن‌ها، اعمال نظارت بر مهاجرت به کشور. بنا بر آنچه در ارتباط با استثنائات وارده بر آزادی کسب اطلاعات به دست می‌آید، به‌طورکلی در قالب دو موضوع قابل جمع‌بندی است: اول: حریم خصوصی؛ دوم: منافع عمومی.

۱-۲. ضرورت خودداری از تجاوز به حریم خصوصی اشخاص

برای شناخت حریم شخصی بهتر است به حوزه عمومی و سیستمی توجه کرد. حوزه عمومی (Public sphere) یا گستره همگانی، جایی است برای حضور همه گروه‌های اجتماعی و فضایی برای زیست آزاد است. در این فضا و حوزه است که گوناگونی فرهنگی-اجتماعی امکان ظهور می‌یابد. در مقابل حوزه شخصی می‌تواند محرمانه و متعلق به افراد باشد و در آن، جایی برای حضور دیگران نیست. (نک: Habermas, ۱۹۸۹, ۱)

کلمه حریم خصوصی مرکب از «حریم» و «خصوصی» است. حریم عبارت است از اموری که انسان از آن دفاع کرده و در مقام حمایت از آن برمی‌خیزد. هم‌چنین حریم به معنای حرمت آبروی مردم و... به کار رفته است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۲، ۱۲۹؛ معلوف، ۱۳۸۰، حریم) حریم از حرمت به معنای منع است به این دلیل تعرض دیگران به حق صاحب حریم، ممنوع است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ۳، ۱۶۵۳) واژه خصوصی به معنای ویژه و اختصاصی (طریحی، بی‌تا، ۱، ۴۲۱) در زبان عربی استعمال شده است. با وجود پیش‌بینی گسترده موضوع حریم خصوصی، اما با بررسی در منابع، مشخص می‌شود که این واژه از قدمت زیادی برخوردار نیست؛ به‌عبارت‌دیگر نباید به دنبال تعریف این واژه در منابع فقهی-حقوقی گشت. هرچند مفاهیم متعددی که با این واژه مترادف هستند وجود دارد؛ مانند واژه‌های: «حق بر تنها ماندن؛ دسترسی محدود دیگران به انسان و توانایی ایجاد مانع در برابر دسترسی به ناخواسته و ناخوانده به انسان، محرمانگی». (انصاری، ۱۳۸۷)

«حریم خصوصی یکی از ارزشمندترین مفاهیم نظام‌های حقوقی توسعه یافته است. حق بر حریم خصوصی در زمره مهم‌ترین حقوقی است که ارتباط تنگاتنگی با کرامت انسانی دارد. هدف آن تعالی شخصیت انسان و به دیگر سخن تکریم تمامیت مادی و معنوی انسان است. حریم خصوصی با استقلال و آزادی انسان‌ها و حق بر تعیین سرنوشت برای خود ارتباط وثیق (محکم و استوار) دارد و تعالیم اسلامی نیز بر آن تأکید دارد». (انصاری، ۱۳۸۳) بنا بر آنچه عنوان شد، حفظ حریم خصوصی اشخاص از مسلمات فقهی و حقوقی است. این موارد در ارتباط با اشخاص دو رویکرد پیدا می‌کند:

الف: ضرورت خودداری از تجاوز به حریم خصوصی اشخاص عادی: ترجیح‌بند بحث از حق حریم خصوصی آن است که این حق از حقوق بنیادین بشری است و تفاوت‌های جغرافیایی، ملیتی، عقیدتی و... در اصل شناسایی این حق تردیدی ایجاد نمی‌کند. حریم خصوصی قلمرویی از زندگی شخصی هر فرد است که انتظار دارد دیگران بدون رضایت یا اعلام قبلی وی یا به حکم قانون یا مراجع قضایی آن را نقض نکنند.

در آیات قرآن، احترام به حریم خصوصی افراد مورد تأکید واقع شده است و تجاوز به حریم خصوصی افراد، گناه و مستوجب تعزیر و عقوبت اخروی دانسته شده است. ممنوعیت تجسس، ممنوعیت غیبت، ممنوعیت سوءظن، ممنوعیت اشاعه فحشا، (نور، ۱۹؛ ۲۷-۲۸؛ ۳۰-۳۱) از مصادیقی است که صراحتاً بیانگر شناسایی و تأکید بر این حق است. اصل قرآنی کرامت ذاتی انسان نیز به عنوان محور دلایل قرآنی احترام به حریم خصوصی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. (اسرا، ۷۰)

یکی از ادله روایی حفظ حریم خصوصی، نهی صریح نبوی از اطلاع‌یابی و حریم‌شکنی افراد در محل سکونت است. خانه یا مکانی که انسان در آن زندگی می‌کند، حتماً حریمی است که انتظار دارد دیگران هیچ‌گاه بدون اذن در آن وارد نشوند و از آن اطلاع‌یابی نکنند. در کتب روایی مباحثی تحت عنوان «النظر الی دار الغیر بغیر اذنه» وجود دارد. (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰۴، ۳۷)

تعالیم فقه امامیه و حقوق اسلامی اهتمام ویژه‌ای در لزوم احترام به حق حریم خصوصی افراد و پرهیز از ورود به آن دارند. فقهای امامیه متناسب با موضوعات مختلف، به لزوم رعایت حریم خصوصی افراد فتوا داده‌اند و به‌جز در موارد خاص، ورود به خلوت و حریم خصوصی را جایز ندانسته‌اند. (به‌عنوان نمونه، نک: امام خمینی، ۱۳۸۴، ۱، ۴۹۱)

اما در حوزه قوانین مربوط به حریم خصوصی، از یک‌سو قوانینی رسمی وجود دارد که برای خود فرد در نظر گرفته شده است و منشورهایی خاص با تعاریف ثابت دارد. از سوی دیگر، قوانینی وجود دارد برای کسانی که در مواجهه با این حریم‌های خصوصی قرار می‌گیرند و درواقع، این قوانین برای آن‌ها مشروعیت پیدا می‌کند؛ مانند قوانینی که مشخص می‌کند چه اطلاعاتی از افراد را می‌توان پخش کرد و دامنه آن اطلاعات باید تا چه حد باشد. (سماواتی، ۱۳۹۶)

بنابراین با توجه به قوانین موجود و حساسیت قانون‌گذار، تجاوز به حریم خصوصی اشخاص ممنوعیت دارد. به‌طورکلی همه اشخاص (عادی و مشهور) از نظر قانون باید نسبت به حریم خصوصی آن‌ها توجه ویژه شود و این حریم حفظ شود. در قانون اساسی، منشور حقوق شهروندی و قانون آزادی اطلاعات، به‌صورت اجمالی به حریم خصوصی اشاره شده است. در اصول ۲۲ و ۲۳ و ۲۵ قانون اساسی، به ترتیب مصونیت از تعرض، منع تفتیش و تجسس، در حریم خصوصی اشخاص بیان شده است. در منشور حقوق شهروندی، ابتدا در ماده ۱۳ ممنوعیت تعرض، حریم خصوصی مطرح و در ماده ۳۵ به حفاظت از داده‌های شخصی اشاره کرده است و امنیت اطلاعات در

فضاهای سایبری را از حقوق مسلم شهروندان می‌داند و نهایتاً به شرح کامل حریم خصوصی از مواد ۳۶ تا ۴۲ پرداخته که مشمول محل سکونت، اشیاء خصوصی، نامه‌های الکترونیکی و غیر الکترونیکی، ارتباطات تلفنی و... می‌گردد و همچنین احترام به این حقوق حتی در رسانه‌ها و تریبون‌ها را الزامی می‌داند.

در ارتباط با حریم خصوصی، در منشور حقوق شهروندی، مصادیق آن روشن شده است. حقوقی که در این منشور مدنظر قرار گرفته است شامل: حق حیات، سلامت و کیفیت زندگی، حق کرامت و برابری انسانی، حق آزادی و امنیت شهروندی، حق مشارکت در تعیین سرنوشت، حق اداره شایسته و حسن تدبیر، حق آزادی، اندیشه و بیان، حق دسترسی به اطلاعات، حق دسترسی به فضای مجازی، حق حریم خصوصی، حق تشکل و تجمع و راهپیمایی، حق تابعیت، اقامت و آزادی رفت‌وآمد، حق تشکیل و برخورداری از خانواده، حق برخورداری از دادخواهی عادلانه، حق اقتصاد شفاف و رقابتی، حق مسکن، حق مالکیت، حق اشتغال و کار شایسته، حق رفاه و تأمین اجتماعی، حق دسترسی و مشارکت فرهنگی، حق آموزش و پژوهش، حق محیط‌زیست سالم و توسعه پایدار، حق صلح، امنیت و اقتدار ملی.

البته حقوق مذکور در منشور حقوق شهروندی مبانی قانونی دارد. با توجه به آنچه در ارتباط با حق کرامت انسانی و حقوق شهروندی گذشت موضوع حرمت انسانی و کرامت انسانی و حرمت حریم خصوصی، ثابت می‌شود. همان‌طور که اشاره شد مصادیق حریم خصوصی اشخاص عادی که از محل سکونت گرفته تا ارتباط تلفنی و... را شامل می‌شود. وقتی این حریم ثابت شد، نتیجه بدیهی آن ممنوعیت تجاوز به این حریم‌ها است. بر همین اساس، در قانون مدون هم نسبت به حریم خصوصی اشخاص، تدابیری در نظر گرفته شده است و هتک حرمت، حریم خصوصی مجازات می‌شود. اصل ۲۲ قانون اساسی به صراحت بیان می‌دارد که مسکن اشخاص از تعرض مصون است و حتی در مواردی که برای کشف جرم یا دستگیری مجرم، اجازه ورود به حریم خصوصی اشخاص داده می‌شود، این اقدام باید بر اساس قانون و با حکم مقامات قضایی صورت گیرد.

همان‌طور که مشاهده می‌شود موارد مذکور، غالباً حریم خصوصی اشخاص عادی را در برمی‌گیرد، هرچند می‌توان در ارتباط با اشخاص مشهور هم این موارد را در برخی از قسمت‌ها تعمیم داد؛ اما به دلیل تفاوت‌هایی که در ارتباط با اشخاص مشهور شناخته شده مطرح است، قاعده‌تاً موضوع حریم خصوصی نسبت به این اشخاص نسبت به اشخاص عادی تاحدی متفاوت است؛ که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

ب: ضرورت خودداری از تجاوز به حریم خصوصی اشخاص مشهور شناخته شده: زندگی خصوصی چهره‌های ورزشی، معنوی، سیاسی همیشه جذاب است و این جذابیت، روحیه کنجکاو مردم و غفلت برخی چهره‌ها، موجب می‌شود که جزئیات زندگی خانوادگی افراد مشهور در رسانه‌ها منتشر شود. موافقان انتشار چنین اخباری بر این عقیده‌اند که حوزه حریم خصوصی برای آن‌ها بسیار کمتر از افراد دیگر است و آزادی بیان برای جامعه دموکراتیک ضروری است، اما مخالفان بر آن‌اند که هر انسانی حق دارد حوزه خصوصی داشته باشد و قانون نیز باید از آن

محافظت کند. رویه‌های قضایی نشان می‌دهند که در اغلب موارد افشای حریم خصوصی، نفع اجتماعی ندارد در مقابل گاهی رفتار خود افراد مشهور به رسانه‌ها حق می‌دهد که در زندگی خصوصی و خانوادگی آن‌ها کنجکاوی کرده و به آزادی بیان استناد کنند، در حقیقت، میان دو حق آزادی بیان و حریم خصوصی در این موارد تزاخم وجود دارد که نظام‌های حقوقی مختلف هرکدام به نحوی این تزاخم را حل کرده‌اند». (مقامی و دیگران، ۱۳۹۸)

توضیح اینکه «حق آزادی بیان که یکی از حقوق اساسی و مهم بشری است، در اسلام با عنوان اصل شورا، امریه معروف و نهی از منکر، قول احسن و... مورد حمایت و تأکید قرار گرفته است. همچنین در اسناد بین‌المللی حقوق بشری نیز این حق مورد حمایت قرار گرفته و به کرات از آن نام برده شده است». (فاضل مهر، ۱۳۹۶)

بنا بر اصل آزادی بیان، انسان، حق آزادی بیان را دارد؛ ولی این آزادی بیان رهاشده نیست، بلکه در برخی موارد که این موارد نیز حق است، با قید همراه می‌شود. از جمله این موارد حقی دیگر در خصوص انسان است با نام حریم خصوصی. در صورت تزاخم حق آزادی بیان و حریم خصوصی، هر نظام حقوقی متناسب با نیاز و فلسفه وجودی خود این تزاخم را حل می‌کند، به دلیل اینکه تعریف واحدی از معنای حق آزادی بیان و حریم خصوصی در بین نظام‌های حقوقی مختلف وجود ندارد. اما این حق (حق حریم خصوصی)، نسبت به اشخاص تفسیر و معنای متفاوت پیدا می‌کند و حقی که در ارتباط با اشخاص مشهور و حریم خصوصی آن‌ها مطرح است، همان‌طور که عنوان شد بیشتر در منظر مردم قرار دارد. به همین نسبت، حساسیت در ارتباط با اشخاص شناخته‌شده و مشهور بالاتر است.

«اسرار خصوصی سلبریتی‌ها (به انگلیسی Celebrity)، همان افراد مشهور و محبوب جامعه هستند که ممکن است در زمینه‌های مثبت یا منفی به شهرت خاصی در اجتماع رسیده باشند مانند موسیقی، ورزش، رسانه و...، مشتمل بر افرادی که مورد توجه افکار عمومی جامعه بوده و نگاه‌ها به‌سوی آن‌هاست مانند افراد مشهور سیاسی و افراد مشهور غیرسیاسی نظیر هنرمندان، بازیگران، ورزشکاران و مدل‌ها، به‌شدت مورد علاقه بسیاری از افراد است. در اینکه آیا افراد مشهور نیز مانند افراد عادی جامعه حریم خصوصی دارند یا نه قلمرو حریم خصوصی افراد مشهور نسبت به سایر افراد جامعه، محدودتر است، اختلاف نظری مبنی بر محدود بودن قلمرو حریم خصوصی افراد مشهور و برابری حریم خصوصی افراد مشهور با دیگران وجود دارد.

بر اساس نظریه اول، برای فقدان حریم خصوصی افراد مشهور یا دست‌کم محدود بودن قلمرو آن، دلایلی از جمله فقدان انتظار متعارف، قاعده اقدام، الگو بودن افراد مشهور، مصلحت عمومی، حق مردم بر دانستن و نقد دورویی بیان شده است. طبق نظریه دوم، اصل آن است که افراد جامعه در یک سطح از حریم خصوصی قرار دارند و صرف اینکه افرادی دارای شهرت یا برای دیگران الگو باشند، ناقض حریم خصوصی آن‌ها نیست. بر اساس این دیدگاه، اگر مشاهیر در موقعیتی قرار داشته باشند که انتظار معقول و متعارف حریم خصوصی خود را داشته باشند، مشابه سایرین، باید حریم خصوصی آنان نیز محترم شمرده شود». (ذاکریان، و دیگران، ۱۳۹۹)

بنا بر آنچه گذشت، نسبت به حریم خصوصی افراد مشهور و شناخته شده دو رویکرد است:

۱- عدم تفاوت حریم خصوصی این افراد با سایرین؛

۲- تفاوت داشتن حریم خصوصی افراد مشهور و شناخته شده با اشخاص عادی.

بنا بر پذیرش عدم تفاوت حریم خصوصی افراد مشهور و شناخته شده با افراد عادی، همان مسائلی که در خصوص افرادی مترتب است، در ارتباط با اشخاص مشهور و حریم خصوصی آنها مطرح است. نتیجه اینکه در ارتباط با حریم خصوصی افراد مشهور و شناخته شده ممکن است اطلاعاتی وجود داشته باشد که دارای محرمانگی و طبقه بندی شده باشد، این فرض در ارتباط افراد عادی هم هرچند محتمل است، اما از نظر درجه محرمانگی و کمیت، مانند افراد مشهور و شناخته شده نیست؛ بنابراین موضوع کسب اطلاعات در ارتباط با اشخاص مشهور درخور توجه خاص است.

۲-۲. ضرورت خودداری از کسب اطلاعات طبقه بندی شده

طبقه بندی اطلاعات (The Classification of Intelligence)، عبارت است از تعیین ارزش یک سند اطلاعاتی از نظر خطر افشای غیرمجاز آن سند. (Wechsler, ۱۹۵۸, Chapter ۳: The Classification of Intelligence)

در تعریفی دیگر آمده است: «طبقه بندی کردن، عبارت است از قرار دادن اطلاعات، اسناد یا مواد و وسایل در یکی از چهار نوع طبقه بندی به منظور حفظ آن اطلاعات یا اسناد یا مواد و وسایل و تعیین محدودیت های لازم برای دسترسی و جلوگیری از افشا و دسترسی غیرمجاز به آنها، به عبارت دیگر تعیین ارجحیت اطلاعات، بر اساس اهمیت و ارزش آنها و میزان تهدیداتی که متوجه آنها، است را طبقه بندی می نامند». (معینی، و مدیری، ۱۳۹۹) بنابراین «از طریق طبقه بندی اطلاعات، می توان سطحی از حفاظت و ایمنی را برای اطلاعات فراهم آورد». (همان)

با توجه به موضوعات مهم در عرصه اجتماع و روابط اجتماعی و منابع ارتباطی و اطلاعاتی وجود دارد، بدیهی است که در این خصوص و تبادل اطلاعات و اخبار، ملاحظاتی در همه جوامع بشری متناسب با نظام سیاسی در نظر گرفته می شود که با بالا رفتن این ملاحظات جنبه محرمانگی و طبقه بندی شده به خود می گیرد. از همین جاست که مسئله ضرورت ها پیش می آید، به این معنا که موضوع و مسئله ای وقتی محرمانه می شود و ضرورت محرمانگی به خود می گیرد که علنی بودن و عمومی بودن آن منشأ آسیب زایی و وارد شدن خسارت باشد.

طبقه بندی اطلاعات یکی از موضوعات مهم و ریشه دار است که در همه جوامع مدنظر، سردمداران حکومتی بوده است. این موضوع اختصاص به زمان ما ندارد، بلکه از موضوعاتی است که در طول تاریخ در جوامع مختلف و نظام های مختلف مورد توجه بوده است. «طبقه بندی اطلاعات بحثی مهم و ریشه دار است که از ابتدای خلقت انسان همواره در زندگی شخصی و اجتماعی و تأثیرگذار بوده است؛ به گونه ای که در بسیاری از موارد افراد زیادی جان، مال و حتی موقعیت خویش را به سبب رعایت نکردن مسائل حفاظتی و اطلاعاتی از دست داده اند و در بسیاری از

موارد افرادی بوده‌اند که به سبب رعایت کردن نکات امنیتی - حفاظتی توانسته‌اند خود را از افتادن در مهلکه نجات دهند».

علاوه بر موضوع توجه به طبقه‌بندی در جوامع مختلف و سیر تاریخی آن، این موضوع از ضروری‌ترین مسائل نظام‌های حکومتی و از بدیهیات است. در این رابطه دین مبین اسلام و مذهب حقه شیعه نیز مسئله، اطلاعات محرمانه و طبقه‌بندی شده را مدنظر داشته است؛ که مهم‌ترین دلیل آن را می‌توان حفاظت از جان شیعیان مطرح کرد. ائمه معصومین (ع) با بهره‌گیری از شیوه‌های گوناگون به حفاظت همه‌جانبه از شیعیان خویش پرداخته‌اند؛ به‌عنوان نمونه، امام حسن (ع) علت اصلی پذیرش صلح را حفاظت از شیعیان مطرح می‌نماید و در برابر یکی از معترضان به صلح خویش فرمود: «اگر من چنین نمی‌کردم از شیعیان ما کسی نبود جز آن‌که کشته می‌شد». (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ۱، ۲۱) در کنار مهم‌ترین دلیل (حفاظت همه‌جانبه از شیعیان)، دلایل دیگری نیز وجود دارد که عبارت‌اند از کتمان و رازداری، تقیه، حفظ شبکه ارتباطی، آگاه‌سازی حفاظتی شیعیان استفاده از اسم رمز، استفاده از اسم مستعار (مانند کینه عبد صالح برای امام موسی ابن جعفر (برای نمونه: کلینی، ۱۴۰۷، ۱، ۱۷۷؛ ۵۳۹ و...)).

دلایل دیگر توجه ائمه به اهمیت اطلاعات طبقه‌بندی شده و محرمانه شامل: کتمان و رازداری، تقیه، توجه به شبکه ارتباطی شیعیان، آگاه‌سازی حفاظتی شیعیان به‌وسیله: انکار، استفاده از اسم رمز، استفاده از اسم مستعار، نفوذ؛ نفوذ اشخاص مورد وثوق ائمه در دستگاه خلافت اشخاصی نظیر محمد بن اسماعیل بزیع و علی بن یقین است. به‌عنوان نتیجه از زمینه‌های روایی-تاریخی، اهمیت حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده ثابت می‌شود. این موضوع همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، در جوامع مختلف دارای اهمیت است و ضرورت آن از بدیهیات است، اما ضرورت طبقه‌بندی اطلاعات در قوانین بر دو نکته اشاره دارد:

۱- تشخیص ارزش و درجه اهمیت اسناد؛ در ارتباط با اطلاعات طبقه‌بندی شده نکته مهم، کیفیت جمع‌آوری اطلاعات است که در نگهداری و حفاظت آن تأثیر مستقیم دارد. توضیح اینکه، اسنادی در باور همگان دارای محرمانگی و طبقه‌بندی هستند که ارزش اطلاعاتی داشته باشند. هر خبر و اطلاعی را نمی‌توان دارای ارزش طبقه‌بندی و محرمانگی دانست. به همین دلیل، در گذشته آئین‌نامه‌هایی برای طرز نگهداری اسناد سری و محرمانه دولتی و طبقه‌بندی و نحوه مشخص نمودن نمونه نوع اسناد و اطلاعات، در نظر گرفته شده است. این آئین‌نامه در تاریخ ۱۳۵۴/۶/۱۱ مصوب شده بود که دارای ۲۳ ماده بود. البته این آئین‌نامه مربوط به دوران قبل از انقلاب و ملاحظات حکومتی آن زمان بود که بعد از انقلاب اسلامی ایران با نام شیوه‌نامه تشخیص و تفکیک اسرار دولتی از اطلاعات عمومی در تاریخ ۱۳۸۷ مصوب و آئین‌نامه اجرایی آن در تاریخ ۱۳۹۷/۱۰/۳۰ به تصویب کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات رسیده و در تاریخ ۱۳۹۹/۱/۳ به تأیید رئیس محترم جمهور رسیده است. این آئین‌نامه ۴ بند و ۱۲ ماده است؛ که ماده ۱ به تعریف اسناد دولتی و اسرار دولتی اختصاص دارد. ماده ۲، تکلیف این اسناد را مشخص کرده است.

۲- میزان مسئولیت و چگونگی نگهداری و حفاظت از اسناد: بعد از اینکه تعریف اسناد محرمانه و طبقه‌بندی شده مشخص شد. این نکته مشخص می‌شود که اسناد از نظر اهمیت، در یک سطح نیستند و به همین دلیل نسبت به چگونگی نگهداری و درجه‌بندی محرمانگی (محرمانه، خیلی محرمانه، سری، به کلی سری) این درجه‌بندی در محرمانگی با تشخیص دستگاه مربوطه، روشن می‌شود. (معینی، و مدیری، ۱۳۹۹)

نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت موضوع این مقاله که با محوریت رسانه تدوین شده است و موضوع دیگر که نیز از اهمیت بالایی برخوردار است، مسئله رویکرد فقه و حقوق نسبت به مسئولیت رسانه و وظایفی که رسانه بر عهده دارد، نتایج حاصله را می‌توان به شرح ذیل عنوان کرد. بدیهی است با توجه به نتیجه‌گیری ارائه شده پیشنهادها در ارتباط با کاستی‌ها ارائه خواهد شد. نتایج: در دو بخش تقدیم می‌شود: الف) یافته‌های تحقیق؛ ب) پیشنهادها.

الف) یافته‌های تحقیق:

۱- در قوانین موضوعه و موجود کشور، در دستگاه‌های مرتبط امور رسانه‌ای هرکدام به فراخور مأموریت خود به موضوع مسئولیت رسانه پرداخته‌اند؛ اما تکرر قوانین و تعداد آن‌ها و نداشتن متولی واحد، باعث شده است که موضوع ارتباط رسانه با قوانین حقوقی و فقهی با تشتت همراه باشد.

۲- همان‌طور که در گذشته‌ای نه‌چندان دور شاید کسی تصور نمی‌کرد که با وارد شدن اینترنت و فضای مجازی به حوزه اخبار و اطلاع‌رسانی انقلابی سریع ایجاد کند، در آینده هم با توجه به پیشرفت شگرف بشر در عرصه اطلاعات و ارتباطات، این پیشرفت قطعاً ادامه خواهد داشت و عرصه فقه و حقوق و قوانین مرتبط متأثر از آن خواهد بود. آنچه از بررسی وضعیت گذشته به دست می‌آید، مباحث فقهی و حقوقی نتوانسته‌اند خود را با این حجم پیشرفت عرصه اطلاعات هماهنگ کنند.

۳- با توجه به موضوع شفافیت در اطلاع‌رسانی و فواید آن و استثنائات، می‌توان نتیجه گرفت که مسئله اطلاع‌رسانی با توجه به اهمیت بالایی که دارد، دارای ضوابط مشخص است؛ که رسانه‌های همگانی مسئولیت رعایت این ضوابط را بر عهده دارند؛ از جمله حفظ حریم خصوصی افراد (چه افراد عادی و چه مشهور) و حراست از اطلاعات طبقه‌بندی شده.

ب) پیشنهادها:

با توجه به آنچه در این رساله گذشت و مطالبی که مفصل بررسی شد، پیشنهادها، در چند حوزه قابل‌ارائه است: ۱- اندیشه‌ای و فرهیختگی؛ ۲- قانون‌گذاری؛ ۳- اجرایی.

۱- اندیشه‌ای و فرهیختگی: با توجه به اینکه اندیشمندان و فرهیختگان حوزه‌های مختلف علمی در خصوص بسترسازی مناسب، جهت یافتن مسئله، ارائه راه‌کار و تدوین قوانین جامع، نقش غیرقابل‌انکاری دارند، در حوزه

موضوع فقه و رسانه، نیز این مهم، دارای اهمیت ویژه‌ای است؛ بنابراین به‌عنوان نتیجه‌گیری این مقاله، مناسب است که سؤال‌ها و مسئله‌هایی که در حوزه فقه و رسانه مطرح است که به دنبال آن مسئولیت‌ها مشخص می‌شود، در قالب موضوعات و عناوین فقهی رسانه‌ای مدنظر اندیشمندان و فرهیختگان قرار گیرد و ماحصل پرداختن قشر محترم فرهیخته و اندیشمند، به‌عنوان مواد اولیه، قانون‌گذاری در اختیار مراجع متصدی قانون‌گذاری قرار گیرد.

۲- قانون‌گذاری: لازم است نسبت به قوانین موجود سه مطلب مدنظر قرار گیرد:

الف) برطرف شدن ابهامات در موارد قانونی موجود مرتبط با رسانه.

ب) متمرکز شدن مرجع قانون‌گذاری مرتبط با حوزه فقه و حقوق رسانه.

ج) ایجاد سایت متمرکز در مورد تأیید مراکز قانون‌گذاری جهت ارائه اجرایی اخبار و اطلاعات و قوانین حوزه فقه و حقوق رسانه.

د) ایجاد دبیرخانه حوزه فقه و حقوق رسانه برای ارتباط برقرار کردن بین مراکز مختلف فرهنگی و علمی و قانون‌گذاری مرتبط با موضوعات حقوقی و فقهی و رسانه‌ای.

۳- اجرایی: با توجه به اینکه نتیجه فعالیت‌ها و کوشش‌های فرهیختگان و اندیشمندان حوزه فقه و رسانه زمانی به ثمر می‌نشیند که قانون مدون شده و جامع و کامل، به مرحله اجرا درآید. در این رابطه مراکزی که می‌توانند، در رابطه با اجرایی کردن موضوعات فقهی رسانه‌ای فعال باشند، شامل دستگاه‌های مختلف هستند، اما در رأس این نهادها و دستگاه‌ها، قوه مجریه قرار دارد که به‌طور خاص وزارتخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی متصدی اجرایی شدن در حیطه فرهنگ است، بنابراین پیشنهاد می‌شود که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در رابطه با موضوعات فقهی و رسانه‌ای در حیطه عمل و اجرا تدابیری نظیر، در نظر گرفتن جایگاه سازمانی مرتبط با فقه و رسانه در نظر بگیرد؛ و همچنین دستگاه رسانه‌ای دیگری در عرصه مرتبط با اجرا موضوعات فقهی، حقوقی و رسانه‌ای، در مرحله اجرا تأثیر بسزایی دارد که تأثیر آن سریع است، صداوسیما جمهوری اسلامی ایران است. با تدوین ملاحظات فقهی و حقوقی و رسانه‌ای به‌عنوان دستورالعمل به بخش‌های مختلف، اجرایی شدن، ملاحظات فقهی و حقوقی و رسانه‌ای، تسریع می‌شود.

منابع

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۳). الامالی. تهران: اسلامیه.

(۱۳۸۵)----- علل الشرایع. نجف اشرف: مکتبه الحیدریه.

ابن براج طرابلسی، عبدالعزیز (۱۴۱۶). المهذب. تحقیق و تصحیح جعفر سبحانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار صادر.

احمدزاده کرمانی، روح‌الله، داوری کیش باستانی، سمیه (۱۳۹۶). «منابع کسب خبر اصحاب رسانه و میزان اعتماد به

این منابع». فصلنامه مطالعات رسانه‌ای. دوره ۱۲. شماره ۱ (پیاپی ۳۶-۳۷). صفحه ۳۷-۵۰.

اسدزاده، علی، سید موسوی، میرسجاد، اصل آزادی اطلاعات با نگاهی بر کارکرد قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸، مرجع دانش، ناشر تخصصی کنفرانس‌های ایران.

امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۴). تحریر الوسیله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

انصاری، باقر (۱۳۸۳). «حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. شماره ۶۶.

_____ (۱۳۸۶). «مفهوم، مبانی و لوازم آزادی اطلاعات». دوفصلنامه علمی حقوقی تطبیقی. شماره ۱۲. شماره پیاپی ۶۱. صفحه ۱۳۷-۱۵۸.

(۱۳۸۷)-----حقوق حریم خصوصی. تهران: سمت.

بیابانی، غلامحسین، ذوقی، بهنام (۱۳۹۷). «رسانه‌ها ابزاری برای ترویج شفافیت و مقابله با فساد سیاسی و مالی». فصلنامه رسانه. دوره ۲۹. شماره ۳.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (بی‌تا). غررالحکم و دررالکلم. قم: دارالکتاب الاسلامی.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.

دایی چین، جواد (۱۳۹۳). «بازشناسی امنیت اخلاقی در حوزه ملی و بین‌المللی از دیدگاه حقوق موضوعه». فصلنامه مطالعات و اطلاعات و امنیت ملی. دوره ۳. شماره ۳. صفحه ۱۵۱-۱۷۵.

ذاکریان، اکبر، جاور، حسین، بطحایی، سید فرهاد (۱۳۹۹). «حریم خصوصی افراد مشهور و فرزندانشان». فصلنامه دانش حقوق عمومی. سال نهم. شماره ۳۰. صفحه ۱۷-۱۳۹.

رحمانی، محمد (۱۳۹۵). انتشار و دسترسی به اطلاعات. مؤسسه وکلای بیان امروز.

ساریخانی، عادل، اکرمی سراب، روح‌الله (۱۳۹۱). «مبانی فقهی حق بر اطلاعات حکومت اسلامی». فصلنامه حکومت اسلامی. سال هفدهم. شماره سوم. پیاپی ۶۵.

سماواتی، حنا (۱۳۹۶). «حریم شخصی دخالت ممنوع! و قانون و عرف حریم خصوصی». گروه وکلای یاسا.

صنعی، سحر (۱۳۹۵). «تبیین مفهوم فساد اقتصادی و سیاسی در جامعه توسعه‌محور». ماهنامه پژوهش ملل. دوره ۲. شماره ۱۵.

طریحی، فخرالدین (بی‌تا). مجمع البحرین. تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی.

طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). امالی. مترجم: صادق حسن‌زاده. قم: نشر اندیشه هادی.

عمید، حسن (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی عمید. تهران: امیرکبیر.

فاضل مهر، علی (۱۳۹۶). «حق آزادی بیان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». تهران: اولین کنفرانس پژوهش در فقه، حقوق و علوم اسلامی.

کلنتر، جان دابلیو (۱۳۷۶). ارتباط گفتاری میان مردم. ترجمه کبیری، تهران: امیرکبیر.

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران: اسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحارالانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- معلوف، لویس (۱۳۸۰). المنجد فی اللغة. قم: ذوی القربی.
- معینی، سولماز و مدیری، ناصر (۱۳۹۹). «شرحی بر کلاسه‌بندی اطلاعات». شیروان: چهارمین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در علوم برق و کامپیوتر و مهندسی پزشکی.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). الارشاد. قم: کنگره شیخ مفید.
- مقامی امیر، عطاران نادیا (۱۳۹۸). «موازنه افشای حریم خصوصی خانوادگی چهره‌های مشهور در رسانه‌ها و آزادی بیان در رویه نهادهای قضایی». مطالعات حقوق عمومی (حقوق). شماره ۴۹. دوره ۲. صفحه ۳۱۱-۳۳۱.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارلکتب الاسلامیه.

Habermas, Jürgen (۱۹۸۹). *The Structural Transformation of the Public Sphere: An Inquiry into a Category of Bourgeois Society*. Translated by Thomas Burger. Cambridge Massachusetts: The MIT Press.

Wechsler, David (۱۹۵۸). *The Measurement and Appraisal of Adult Intelligence* (fourth ed.). Baltimore (MD): Williams & Witkins. Retrieved.